الگوی مسکن معیشت‌محور سازگار با سبک زندگی اسلامی-ایرانی در اقلیم گرم و خشک ایران

حمیدرضا مقصودی

maghsoodi@isu.ac.ir استادیار مدیریت دانشگاه قم، ایران/

ندا خوشنویس

khoshnevis.neda@gmail.com دانشجوی ارشد معماری اسلامی، دانشگاه قم، ایران/

چکیده

تأمین مسکن مناسب در کشورهای مختلف با توجه به شرایط بازار مسکن، میزان نیاز به مسکن و دیدگاه دولت‌های حاکم برای تخصیص فضا و امکانات، متفاوت و یکی از عوامل تعیین‌کننده کیفیت زندگی خانوارها می‌باشد. پس از انقلاب اسلامی تاکنون چندین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشور تدوین شده که در آن تأمین مسکن برای اقشار کم درآمد در اولویت است. هدف این مقاله، دستیابی به برآیندی از دو الگوی مسکن براساس «سبک زندگی اسلامی» و «سبک زندگی در اقلیم گرم و خشک» با توجه به بعد اقتصادی به عنوان یکی از مهمترین ابعاد سبک زندگی است. ضرورت پرداختن به این موضوع این است که الگوی رایج توسعه عمودی به عنوان یک الگوی واحد در همه نقاط کشور به عنوان راه‌حلی برای مسکن اقشار کم درآمد مطرح است؛ در حالی که بدون توجه به مولفه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگیِ بستر خود طراحی و اجرا شده است. این مقاله از نوع کاربردی و روش تحقیق آن توصیفی-تحلیلی است. دستاورد این مقاله، ارائه الگوی مسکن انسانِ مسلمانِ کویرنشین به عنوان راهکاری برای تسهیل معضلات مسکن معاصر است که نیازمند اتخاذ سیاست‌های ویژه‌ای می‌باشد.

واژگان کلیدی: مسکن معیشت‌محور، سبک زندگی اسلامی-ایرانی، اقلیم گرم و خشک، مسکن اقشار کم درآمد.

۱- بیان مسئله

مسکن ایرانی، در دهه‌های اخیر در مقایسه با دوره‌های پیشین با مشکلات بسیاری روبه‌رو است. تأثیر اقتصاد لیبرال سرمایه‌داری در معماری و شهرسازی و بروز مشکلاتی همچون حاشیه‌نشینی، نگاه سوداگرایانه به زمین، کوچک شدن قطعات تفکیک زمین و از سوی دیگر رشد جمعیت و مهاجرت از شهر به روستا، بخشی از معضلات مسکن معاصر است. در این میان، طراحی‌های شهری در مقیاس بزرگ، بیش از همه برای گروه‌های اجتماعی با درآمد متوسط و کمتر موضوعیت دارد. ضعف پژوهش‌ها و طرح‌های اجرایی تا به امروز را می‌توان در دو عنوان دسته‌بندی نمود؛ نخست، «عدم توجه به معنا و هویت اسلامی». متراکم‌سازی و گسترش عمودی مجتمع‌های مسکونی با مبانی حاصل از پژوهش‌های متعدد در زمینه مسکن و محله مطلوب از منظر متون دینی که به گسترش افقی شهرها تأکید دارد، مغایر است. دوم، «عدم توجه به جغرافیای الگوهای ارائه شده برای مسکن». یکی از راهکارهای مطرح در سال‌های اخیر در زمینه تولید انبوه و سریع مسکن، الگوی مسکن مهر به عنوان یک الگوی واحد در همه نقاط کشور بدون توجه به مولفه‌های متعدد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگیِ بستر خود بود. در نتیجه این امر بخشی از مردم با پذیرش سبک زندگی غربی، برخی دیگر با وجود تحمل سختی‌های فراوان و بعضی به ناچار، به سکونت در الگوهای رایج امروزی عادت کرده‌اند.

خاستگاه مشکلات متعدد در زمینه مسکن، تأثیرپذیری از جامعه مدرن است. جین جیکوبز در کتاب «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی» به معضلات شهرسازی مدرن در نیویورک اشاره کرده و چنین می‌نویسد که «تفکر رایج برنامه‌ریزی و طراحی شهری سبب برچسب زدن به مراکز مسکونی بر حسب درآمد شده و آن‌ها را به جزایری پرتنش تبدیل کرده است. پروژه‌های مربوط به افراد کم درآمد به صورت مراکز تخلف و ناامیدی اجتماعی درآمده‌اند. پروژه‌های مربوط به افراد با درآمد متوسط نیز دچار رکود شده و اثری از شادی و سرزندگی در آن نیست. همچنین پروژه‌های لوکس خانه‌سازی دچار عوام‌گرایی بی‌روح و بیهودگی است» (جیکوبز، ۱۳۸۶: ۳). همچنین در سال‌های اخیر پژوهش‌های متعددی در زمینه جرم‌خیزی مجتمع‌ها و محله‌های مسکونی با الگوی توسعه عمودی انجام شده است. این در حالی است که «جوامع غربی با آسیب‌شناسی روند حرکت جامعه مدرن در دستیابی به اهداف مدرنیسم و مدرنیزاسیون، به دنبال ارائه سبک جدیدی از زندگی با محوریت انسان‌مداری بوده که در آن به سلامت اجتماعی، کالبدی، اقتصادی و روانی همه ساکنان توجه شده است» (ماجدی و بندرآباد، ۱۳۹۳: ۶۷).

سیمای آشفته شهر، نتیجه پذیرش سبک زندگی غربی است و در اینجا است که توجه به مفهوم «سبک زندگی اسلامی-ایرانی» اهمیت می‌یابد. در این باره می‌توان به سخن مقام معظم رهبری در جمع شهردار و شورای اسلامی شهر تهران اشاره کرد که «باید هرچه ممکن است محیط زندگی شهر به گونه‌ای طراحی و ساخته شود که تحقق سبک زندگی اسلامی راحت‌تر امکان‌پذیر باشد» (khamenei.ir). در این صورت، مسکن و محیط زندگی، بستری برای پاسخ به نیازهای انسان در همه ابعاد خواهد بود.

۲- بررسی وضع گذشته و حال

طی بیش از پنج دهه پیشینه برنامه‌ریزی در ایران، «تأمین مسکن، در برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب و برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی بعد از انقلاب مورد توجه واقع شده است. در این میان بر خلاف تفاوت‌های عمده در شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور، تأمین مسکن برای اقشار کم درآمد جایگاه ویژه‌ای داشته است. تأمین مسکن برای این گروه از برنامه سوم توسعه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی قوت گرفت. این موضوع در برنامه چهارم با عنوان مسکن مهر مورد توجه قرار گرفته و

جهت‌گیری، تدوین و پیشنهاد برنامه‌های اجرایی، ضوابط و مقررات قانونی بر این مبنا بوده است» (پورمحمدی و همکاران،۱۳۹۱: ۴۲). به این صورت که طرح مسکن مهر «قیمت زمین را از مسکن حذف نموده و واحدهای مسکونی را به صورت اجاره ۹۹ ساله در اختیار آن‌ها قرار داده است» (خلیلی و همکاران،۸۳:۱۳۹۳). این الگوی انبوه‌سازی و توسعه عمودی، بدون توجه به بستر جغرافیایی خود به عنوان نسخه‌ای واحد برای درمان مشکلات متعدد مسکن در سال‌های اخیر مطرح و اجرا شد. پیامد چنین امری الگوی مسکنی است که نقش خود را به سرپناهی صرف تغییر داده و به بستری برای فاصله گرفتن هر چه بیشتر از فرهنگ، سبک زندگی و معماری بومی تبدیل شده است.

در سال‌های اخیر الگویی از این طرح با عنوان «مسکن مهر ویلایی» با محوریت الگوی توسعه افقی به جای توسعه عمودی مطرح شد که شهرک امیرکبیر نمونه‌ای اجرایی از این الگو است. به این صورت که به گزارش خبرگزاری فارس، «با توجه به سیاست دولت مبنی بر ساخت مسکن در قالب مسکن مهر، از سوی دولت مقرر شد مسکن‌های ساخته شده در این شهر به صورت ویلایی ساخته شوند. بر این اساس، این شهر به عنوان نخستین شهر جدید ویلایی در کشور شناخته شده که هر یک از واحدهای ویلایی در زمینی به وسعت ۳۰۰ مترمربع با زیربنای ۱۰۰ مترمربع ساخته شده است». این پیشینه‌ای از سیاست‌های عملی در حوزه تأمین مسکن در دوره‌های گذشته بود.

در آخرین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در زمینه مسکن با عنوان طرح جامع مسکن کل کشور، چشم‌انداز بخش مسکن در سال ۱۴۰۴، به این صورت تصویر شده است: «توسعه‌یافته، بر پایه عدالت اجتماعی، مبتنی بر توانایی در تولید، علم و فناوری، بهره‌مند از محیط زیست مطلوب و دارای تعامل سازنده با جهان» (اسماعیل‌پور و همکاران،:۳۲:۱۳۹۶). در این چشم‌انداز نیز تهیه مسکن برای اقشار کم‌درآمد جایگاه ویژه‌ای دارد.

۳- راهکار حل مسئله

۳-۱- احیای سبک زندگی اسلامی-ایرانی در اقلیم گرم و خشک

با توجه به مطالب فوق، ارائه هر الگوی موفق و راهگشا برای مسکن، نیازمند توجه توأمان به معیارهای مسکن مطلوب از منظر اسلامی و توجه به بستر جغرافیایی آن می‌باشد. بنابراین هدف این پژوهش دستیابی به برآیندی از دو الگوی مسکن برای انسان مسلمان -سبک زندگی اسلامی- و الگوی مسکن برای انسان کویرنشین -سبک زندگی ایرانی در اقلیم گرم و خشک- است. به این خاطر که «بیش از ۶۰ درصد ایران را اقلیم گرم و خشک تشکیل داده است» (برزگر و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۸)؛ بنابراین پرداختن به الگوی مسکن مبتنی بر مبانی اسلامی و نیز سازگار با این اقلیم می‌تواند بستر تسهیل معضلات مسکن در پهنه وسیعی از کشور را فراهم کند. در نتیجه هدف پژوهش، دستیابی به «الگوی مسکن انسانِ مسلمانِ کویرنشین» با توجه به بعد اقتصادی به عنوان یکی از مهمترین ابعاد سبک زندگی است. در نتیجه الگوی پیشنهادی در دو زمینه شناسایی می‌شود:

- تاکنون پژوهش‌های مختلفی توسط معماران و اندیشمندان حوزوی در زمینه معماری و شهرسازی اسلامی برای دستیابی به شاخص‌های مسکن مطلوب از منظر اسلام انجام شده است. یکی از این شاخص‌ها، رفتار تولیدی در خانه است که مورد توجه پژوهشگران بوده (ناری‌قمی؛۱۳۹۵، اراکی؛۱۳۹۷) و روایات متعددی از معصومین علیه السلام در این باره نشانگر اهمیت آن می‌باشد. توصیه به نگهداری حیوانات اهلی در خانه و کاشت گیاهان و درختان مثمر در خانه از مهم‌ترین

- توصیه‌های اقتصادیِ مسکن در مستندات دینی است. لزوم توجه به این امر، نیازمند بزرگ در نظر گرفتن پلاک‌های مسکونی است. امری که در سبک زندگی اسلامی، ارجحیت موکد دارد (اراکی،۱۳۹۷؛ قربانی،۱۳۹۴؛ نقره‌کار،۱۳۸۷؛ حمزه‌نژاد،۱۳۹۴؛ رییسی،۱۳۹۷).

پژوهش‌های انجام شده در این زمینه برخی معیارها در مقیاس محله را نیز برمی‌شمرد. به این صورت که عدم اشراف خانه‌ها به یکدیگر برای حفظ حریم خانه از مهم‌ترین تأکیدات در مستندات دینی است. این امر نشانگر نفی توسعه عمودی و تأکید بر توسعه افقی شهر برای حفظ حریم و ارتباط مناسب با آسمان می‌باشد (اراکی،۱۳۹۷؛ رییسی،۱۳۹۷). همچنین بررسی منابع نشان می‌دهد محله در اسلام با محوریت مسجد شکل می‌گیرد (اراکی،۱۳۹۷؛ پورجعفر،۱۳۹۱؛ ذوالفقارزاده،۱۳۹۸؛ رییسی،۱۳۹۷). در نتیجه الگوی محله مورد نظر اسلام، محله‌ای مسجدمحور متشکل از واحدهای مسکونی وسیع، مولد و در ارتباط مناسب با طبیعت، یک یا دو طبقه بدون اشراف به دیگر خانه‌ها است.

- توجه به بعد اقتصادی از سبک زندگی در اقلیم گرم و خشک؛ مطالعات جامعه‌شناختی نشان می‌دهد «تا اواسط دهه ۱۳۵۰، در بخش قابل‌توجهی از ایران -بیش از همه در مناطق کویری- شامل روستاها، شهرهای کوچک و حومه شهرهای بزرگ، نظام اقتصادی، اجتماعی و روانی ویژه‌ای در شیوه زیستِ بومی وجود داشته است» (فرهادی،۱۳۸۷: ۱۲۴). با تأکید بر بعد اقتصادی از یک سو و توجه به مشکل تأمین آب به عنوان مهم‌ترین معضل زندگی در منطقه کویری از سوی دیگر، باز هم زیستِ بومی بر مبنای استفاده از منابع طبیعی بوده است. به این صورت که حفر قنات‌ها و استفاده بهینه از آب برای کشاورزی در کنار دامداری از راهکارهای اقتصادی در مناطق کویری است. این امر با تقویت مفهوم «یاری‌گری» در میان ساکنان یک منطقه تحقق می‌یافت و «این یاری‌گری‌ها در سه حوزه آب و آبیاری، کشاورزی و دامداری با هدف خودکفایی انجام می‌شده است» (فرهادی، ۱۳۷۶و۱۳۸۷). در نتیجه در پاسخ به این سوال که انسان کویرنشین چگونه زندگی می‌کند؟ باید گفت که با وجود تمام محدودیت‌های زندگی در مناطق کویری، به سبب نظام اقتصادی، اجتماعی و روانی حاکم بر محیط زندگی، ساکنان سعی در استفاده حداکثری از محیط طبیعی را داشتند.

می‌توان نتیجه گرفت که براساس سبک زندگی اسلامی-ایرانی، مسکنِ انسانِ مسلمانِ کویرنشین، خانه‌ای با وسعت مناسب برای کاشت و پرورش گیاهان و درختان مثمر و نگهداری از حیوانات اهلی است تا نیازهای معنوی، اقتصادی، اجتماعی و دیگر جنبه‌های حیات او را پاسخ دهد. نگاه به خانه به عنوان یک واحد مولد اقتصادی، برکات فراوانی برای ساکنان خانه و محله دارد. چرا که هر خانه به عنوان یک واحد خودکفا عمل کرده و در شرایط مختلف اقتصادی قادر به تأمین بخشی از نیازهای ساکنان خواهد بود. در نتیجه این الگو بستری برای حل معضلات مسکن برای گروه‌هایی با درآمد متوسط و پایینتر در جامعه را نیز فراهم می‌کند.

۳-۲- سیاست‌های پیشنهادی تأمین مسکن

نهادهای مسئول در ساخت مسکن در ایران عبارتند از: «بخش دولتی، بخش خصوصی و بخش تعاونی مسکن» (مجتهدزاده،۱۳۸۳:۲۲). از سوی دیگر در نظر گرفتن مساحت مناسب برای تأمین اهداف اقتصادی در کنار سکونت، تنها با حذف و یا کاهش قابل توجه قیمت زمین از مسکن و عدم تفکیک اراضی در قطعات کوچک امکان‌پذیر است. به بیان دیگر در اختیار قرار دادن زمین با مساحت مناسب برای تأمین اهداف مورد نظر، نیازمند در پیش گرفتن سیاست زمین-خدمات می‌باشد. این رویکرد بیشتر در دهه ۱۹۷۰ شیوه عملی اغلب کشورها بود و «دولت زمین آماده را در اختیار اقشار کم‌درآمد و فقیر جامعه قرار می‌داد.

علاوه بر این در این طرح، امکان ساخت خودیار و تدریجی به موازات بهبود وضعیت اقتصادی خانوار فراهم بوده و سرمایه‌گذاری سرانه دولت نیز کاهش می‌یابد و هم این که تعداد بیشتری مشمول برنامه حمایتی می‌شدند» (صرافی،۱۳۸۱:۸). در نتیجه اجرای این طرح با این کیفیات نیازمند اتخاذ سیاست‌هایی در بخش دولتی است.

۴- ارزیابی راهکار ارائه شده

به نظر می‌رسد با توجه به تراکم بالا در مناطق شهری و همچنین عدم وجود زمین کافی برای پیاده‌سازی محله‌ای با خانه‌های وسیع در درون شهر، مکانیابی این الگو در حومه شهرها و برای گسترش آینده شهر پیش‌بینی شود. در این صورت در نظر گرفتن زمین کافی برای طرح با اهداف مورد نظر آسان‌تر بوده و امکان اتصال میان شهر و روستا بدون آسیب رساندن به محیط شهری و روستایی فراهم می‌شود. از نقاط قوت دیگر این راهکار، شکل‌گیری نوار سبز پیرامون شهرها در اقلیم کویری است. امری که امروزه با پشتوانه منابع مالی دولت با کاشت درختان در بیابان‌های اطراف برخی شهرها محقق می‌شود.

۴-۱- پیشینه راهکار در متون علمی و سیاستی

نزدیک‌ترین پژوهش‌ها و طرح‌ها به موضوع مورد نظر، نمونه‌هایی با عنوان توسعه پایدار محله‌ای است. توسعه پایدار به معنای «برآورده ساختن نیازهای نسل حاضر بدون به خطر انداختن نیازهای نسل آینده است. این نیازها شامل نیاز به توسعه اقتصادی برای غلبه بر فقر، نیاز به حفاظت از محیط زیست و نیاز به عدالت اجتماعی و تنوع فرهنگی است» (نوروزی و بهمن‌پور،۱۳۹۲:۶۷). در میان نظریه‌های مطرح برای توسعه پایدار محله‌ای، نظریه باغ‌شهر هاوارد (۱۸۹۸) و نظریه گروه روستا-شهر (۱۹۸۹)، تلاش می‌کند با ایجاد زیستگاهی مانند روستا، درهم تنیدگی کار و زندگی خانوادگی و استفاده بهتر از محیط زیست را فراهم کند. به بیان دیگر ساکنان این محله، هم زندگی شهری و هم زندگی روستایی را تجربه می‌کنند. این الگوها «از دهه ۱۸۵۰ میلادی به عنوان یک راه‌حل مدرن شهرسازی برای پاسخ به معضلات شهرهای دوران انقلاب صنعتی شکل گرفت. چرا که در این نظریه علاوه بر ملاحظات اقتصادی -استقلال و خودکفایی بر اساس کار در واحدهای کشاورزی- و جامعه‌شناختی، کارگران کم درآمد قادر به سکونت در واحدهای مسکونی با کیفیت مطلوب و آب و هوای پاک در اطراف شهر بودند» (هاوارد،۱۹۲۸). شهر و روستا به عنوان دو سوی پدیده ترکیبی روستا-شهر، در مواجهه با هم و یا حرکت برنامه‌ریزی شده به سوی هم، درجه‌ای از شهر و درجه‌ای از روستا را در خود دارند. این مواجهه به دو صورت است و به بیان دیگر در دو سیاست کلی مطرح می‌شود:

- نخست، «رویارویی شهر و روستا؛ در این گونه همگام با رشد پدیده شهرنشینی و گسترش شهرها، روستاهای حاشیه شهر به صورت روستایی در داخل شهر قرار گرفته و به بیان دیگر بلعیده می‌شوند» (Lin & De Meulder ،۲۰۱۲). این الگو «اگرچه فضاهایی را به منظور انطباق با شیوه جدید زندگی برای روستاییان فراهم می‌کند اما اغلب دارای مناظر شلوغ و به هم ریخته، محیط زندگی ناسالم، ناامن و همراه با مشکلات اجتماعی هستند. ساختار اجتماعی و اقتصادی این الگو عمدتاً تحت سلطه مردم محلی و جامعه روستا و ساختار محیط زیستی آن به شدت آسیب‌پذیر و در معرض خطر است» (سپاهی و همکاران،۱۳۹۵:۱۲۵).
- دوم، «روی‌آوری شهر به روستا و برعکس؛ این گونه عمدتاً در مناطق شهری و به طور کلی در داخل شهرها واقع شده‌اند. به این صورت که برای اراضی متروکه داخل شهر و فضای آماده ساخت محصور بین فضاهای ساخته شده مناسب بوده و انتخاب دقیقی برای اراضی اختصاص یافته به فضای سبز به نظر می‌رسند» (Franklin & Tait،۲۰۰۲). روستا- شهر در رویکرد روی‌آوری

شهر به روستا الگوی کارآمدی است. از این جهت که «اصول خاصی را به منظور ایجاد محله‌هایی سرزنده و محبوب در مقیاسی کوچکتر از شهر و در داخل آن و البته سازگار با محیط زیست ارائه می‌کند. در این صورت با در نظر گرفتن جمعیت مشخص و اندازه مطلوب، مشخصاً محدوده و نوع توسعه را تعریف می‌کند. اینگونه روستا-شهرها جدایی شهر و روستا را از بین برده و شهر را در جهت انسانی‌تر شدن هدایت می‌کنند» (سپاهی و همکاران،۱۲۵:۱۳۹۵).

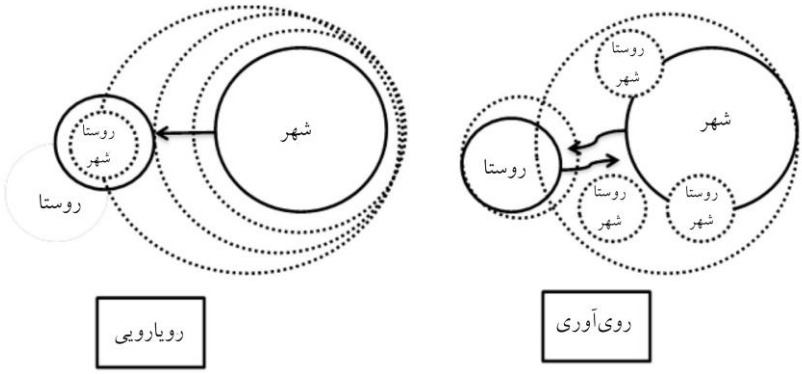

تصویر (۱): رویارویی و روی‌آوری شهر و روستا در روند توسعه شهر (سپاهی و همکاران،۱۲۵:۱۳۹۵).

۴-۲- نمونه‌های موردی در جهان

طرح باغ‌شهر به این صورت است که «یک دایره توسط خیابان‌های اصلی به چهار یا شش بخش تقسیم می‌شود. در این ایده ساختمان‌های عمومی مثل تالار شهر، سالن سخنرانی و کنسرت، تئاتر، کتابخانه، موزه و بیمارستان در مرکز شهر قرار گرفته و خانه‌ها با فضایی برای پرورش گیاهان آن‌ها را احاطه می‌کند. نخستین باغ‌شهر با نام لچورث در سال ۱۹۰۴ و به فاصله ۳۵ مایلی لندن ساخته و برای ۳۳ هزار نفر برنامه‌ریزی شد. دومین باغ‌شهر با نام ولوین در سال ۱۹۱۹ و برای جمعیتی معادل ۴۰ هزار نفر ساخته شده بود که در ۲۱ مایلی شمال لندن واقع شد. ارتباط این باغ‌شهر با لندن به طریق بهتری است و به همین خاطر ولوین به عنوان نخستین شهرک اقماری لندن شناخته شده است» (هاوارد،۱۹۲۸). هر چند طرح هاوارد گامی برای حل مشکلات شهری اواخر قرن نوزدهم بود، اما این ایده با آنچه که ساخته شد، تفاوت داشت. پس از گذشت نیم قرن، آنچه به نام شهرهای باغ مانند ساخته می‌شد، محلات کوچکی در اطراف شهر بود که به ساختن خانه‌های کوچک با باغچه‌هایی در اطراف آن محدود شد.

شهرک کلن-بلومنبرگ در آلمان (۱۹۹۱-۱۹۸۹) نمونه دیگری است که اصول طراحی این پروژه عبارتند از «استفاده مقرون به صرفه از زمین، برانگیختن یک ترکیب اجتماعی غنی و فراهم ساختن شرایط خانه‌سازی با مخارج مناسب -به واسطه واگذاشتن ساختن خانه‌ها به صاحبان آینده آن‌ها- استفاده از روش‌های منفعل برای صرفه‌جویی در انرژی، کاهش زباله‌های خانگی از طریق تفکیک و بازیافت زباله‌ها و ساختن باغچه‌های خانگی برای تولید میوه و سبزیجات. به طور کلی بودجه‌ای که به این طرح تخصیص یافته بسیار محدود است که بخشی از آن باید از طریق یارانه‌های دولتی تأمین شود» (روئانو،۱۲۱-۱۲۲؛۱۳۸۹). طرح‌های جامع برای توسعه شهر سیاتل در واشنگتن ایالات متحده آمریکا در سال‌های ۱۹۹۴-۲۰۱۴، نمونه دیگری است که «استراتژی روستای شهری را بر مبنای توسعه اقتصادی، مسکن قابل استفاده، امنیت عمومی، حفاظت از محیط زیست و انعطاف‌پذیری، اشتراک و همکاری، توجه به اهداف بلندمدت از جمله اتخاذ سیاست‌های بودجه و پایداری براساس کیفیت و تنوع مطرح می‌کند. روستاهای

شهری مناطقی هستند که خدمات متعددی در زمینه سبک زندگی، فعالیت‌های تجاری، خرده فروشی و خدمات اجتماعی انجام می‌دهند» (همان؛۲۴۵).

۵- اثرات و پیامدهای راهکار ارائه شده

اولین و مهم‌ترین پیامد به کارگیری الگو، احیای سبک زندگی اسلامی-ایرانی است. این امر هم در مقیاس خرد و هم در مقیاس میانی اهمیت دارد. در این صورت با گسترش افقی شهر به جای گسترش عمودی، زندگی در خانه‌ای با مساحت حداقلی که اغلب بخاطر عدم اشراف، از ارتباط با آسمان و بهره‌گیری از نور طبیعی محروم است جای خود را به خانه‌ای با ارتباط مناسب با آسمان، بهره‌گیری از طبیعت، منظره مطلوبِ حیاط-باغ و نگهداری از حیوانات اهلی می‌دهد. برخلاف شیوه‌های معمول خانه‌سازی این خانه به محیطی برای تفریح، کار و زندگی و سرانجام بستری برای آرامش ساکنان مبدل خواهد شد. الگوهای معمول خانه‌سازی اگرچه هدف تأمین مسکن برای گروه‌های کم درآمد را محقق می‌کند، اما الگوی مطرح شده علاوه بر این، با وسعت مناسب و تعریف کارکرد ویژه، قدرت تأمین درآمد حداقلی برای ساکنان را نیز فراهم خواهد کرد. روشن است که الگوی محله متشکل از واحدهای مسکونی با وسعت مناسب و مسجدمحور، نظام اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ویژه‌ای را در سطح محله ایجاد خواهد کرد.

اگر چه این الگو در درجه اول راهکاری برای تأمین مسکن برای گروه‌های کم درآمد جامعه به شمار می‌رود، اما برچسب زدن به محلات و سکونتگاه‌های شهری با عنوان مکانی برای زندگی اقشار کم‌درآمد با آسیب‌های بسیاری رو به رو است. به همین خاطر پیش‌بینی می‌شود گروه‌های مختلف اجتماعی به سبب کیفیت فضای زندگی در الگوی خانه-باغ، از این طرح استقبال کنند. این امر اگر چه از آسیب‌های احتمالی نامبرده می‌کاهد اما از سوی دیگر ممکن است با سیاست اعطای زمین از سوی دولت، طرح منحصراً به گروه‌های اجتماعی ثروتمند اختصاص یابد.

عدم استقبال گروه‌های اجتماعی مختلف از این طرح می‌تواند یکی دیگر از پیامدهای احتمالی این راهکار باشد. به این خاطر که اصولاً پذیرفتن سبک زندگی غربی سبب شده تا پذیرشِ یکسان بودن محیط کار و زندگی برای خانواده دشوار به نظر برسد. فاصله محله از مرکز شهر نیز می‌تواند یکی دیگر از دلایل عدم استقبال از طرح باشد. افول اهداف مدنظرِ اقتصادی در خانه با مشکل تأمین منابع آبی و ثمردهی درختان و فضای سبز پیش‌بینی شده در خانه‌ها، از دیگر پیامدهای احتمالی این راهکار است.

۶- نتیجه‌گیری؛ پیشنهاد تصمیم‌سازی به مسئول مربوطه

امروزه تأمین مسکن برای گروه‌های کم درآمد جامعه با تکرار صرف یک الگوی توسعه عمودی در محدوده شهرها صورت می‌گیرد که با سبک زندگی انسانِ مسلمانِ کویرنشین همخوانی ندارد. از این رو با توجه به بررسی سبک زندگی اسلامی-ایرانی، خانه یک انسان مسلمان خانه‌ای است «وسیع با امکان بهره‌گیری از طبیعت به بهترین شیوه ممکن». این الگو علاوه بر تمام مزایا و احیای سبک زندگی، قدرت تأمین درآمد حداقلی برای ساکنان خانه را فراهم می‌کند. همچنین محله‌ای با روح حاکمِ سبک زندگی اسلامی-ایرانی، متشکل از واحدهای مسکونی پیشنهادی و با محوریت مسجد محله، نظام اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ویژه‌ای را در سطح محله ایجاد می‌کند. بنابراین برای تسهیل معضلات مسکن معاصر و تحقق اهداف نامبرده، به بخش دولتی پیشنهاد می‌گردد «طرح زمین-خدمات به عنوان سیاستی برای تأمین مسکن در گسترش آینده شهرها در نظر گرفته شود. بر این اساس دولت موظف به حذف قیمت زمین از مسکن و عدم تفکیک اراضی در قطعات کوچک می‌باشد».

منابع

- اراکی، محسن، ۱۳۹۷، فقه عمران شهری، قم: مجمع الفکر اسلامی.

- اسماعیل‌پور، نجما، زارع رودبزانی، ملیحه، نصریان، زهره، ۱۳۹۶، بررسی و تحلیل سیاست‌های مسکن شهری در کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا، نشریه مهندسی ساختمان و علوم مسکن، دوره یازدهم، شماره ۲۱: ۱۹-۳۳.

- برزگر، زهرا، نعمتی، محمدعلی، بذرگر، محمدرضا، ۱۳۹۳، بررسی چگونگی بهره‌گیری از زمین در ساختمان‌های بومی براساس پارامترهای اقلیمی، نشریه هویت شهر، سال هشتم، شماره ۲۰: ۷۷-۸۸.

- پورجعفر، محمدرضا و پورجعفر، علی، ۱۳۹۱، الگوی پیشنهادی محله با مرکزیت مسجد و فضاهای عمومی مورد نیاز در شهرهای ایرانی اسلامی، مجله مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره۱۰: ۱۵-۲۴.

- پورمحمدی، محمدرضا، صدر موسوی، میرستار، عابدینی، اصغر، ۱۳۹۱، تحلیلی بر سیاست‌های تأمین مسکن دولت با تأکید بر برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری، شماره سوم: ۳۴-۴۳.

- جیکوبز، جین، ۱۳۸۸، مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- حمزه‌نژاد، مهدی، افتخاریان، سید مازیار، ۱۳۹۴، شاخص‌های سبک زندگی اسلامی در طراحی مسکن، همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران در یزد.

- خلیلی، احمد، نورالهی، حانیه، رشیدی، نعیمه، رحمانی، مریم، ۱۳۹۳، ارزیابی سیاست‌های مسکن مهر در ایران و ارائه راهکارهایی برای بهبود آن، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری، شماره سیزدهم: ۸۳-۹۲.

- روئانو، میگل، ۱۳۸۹، شهرسازی سازگار با محیط زیست: مطالعه موردی ۶۰ جامعه انسانی پویا، ترجمه حمید سقاپور، شهره رفتاری و زینب مصلحیان، شیراز: نوید شیراز.

- رییسی، محمدمنان، ۱۳۹۷، معماری و شهرسازی مطابق با سبک زندگی اسلامی؛ از تشریح وضع مطلوب تا تحلیل وضع موجود، قم: دانشگاه قم.

- ذوالفقارزاده، حسن، جعفری‌ها، رضا، دل زنده، علی، ۱۳۹۸، الگوی پیشنهادی معماری محله اسلامی ایرانی بر مبنای مدل نگره های زندگی‌ساز حکمت اسلامی، مجله اندیشه معماری، سال سوم، شماره۵: ۳۳-۵۹.

- سپاهی، مریم، دارابی، حسن، ایرانی بهبهانی، هما، ۱۳۹۵، تحلیلی بر رویکردهای نوظهور روستا-شهر. نشریه مسکن و محیط روستا، شماره۱۵۶: ۱۱۱-۱۲۶.

- سخنان رهبر انقلاب در تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۳ برگرفته از پایگاه اینترنتی khamenei.ir.

- صرافی، مظفر، ۱۳۸۱، به سوی تدوین راهبرد ملی ساماندهی اسکان غیر رسمی، فصلنامه هفت‌شهر، شماره ۹و۱۰، وزارت مسکن و شهرسازی.

- فرهادی، مرتضی،۱۳۸۰، واره؛ درآمدی به مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون و مشارکت مردمی، وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی.

- فرهادی، مرتضی، ۱۳۷۶، فرهنگ یاریگری در ایران؛ درآمدی به مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- قربانی، رحیم، ۱۳۹۴، شاخص‌های معماری و شهرسازی اسلامی: خانه، مسجد، بازار، راه و آرامگاه، تهران: شبکه اندیشه.

- ماجدی، حمید، بندرآباد، علیرضا، ۱۳۹۳، بررسی معیارهای جهانی و بومی شهر زیست‌پذیر، نشریه هویت شهر، سال هشتم، شماره۸: ۶۵-۷۶.

- مجتهدزاده، غلامحسین، ۱۳۸۳، بررسی سیاست‌های محلی مسکن در ایران و انگلیس، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۷.

- ناری‌قمی، مسعود، امینی، محمد مسعود، فروتن، مهدی، ۱۳۹۵، رفتار تولیدی در خانه (مطالعه موردی: تولید در خانه در قشر مذهبی شهر قم)، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی ۴ (۱۰): ۳-۱۷.

- نقره‌کار، عبدالحمید، ۱۳۸۷، درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، تهران: نشر پیام سیما.

- نوروزی، رضا، بهمن‌پور، هومن، ۱۳۹۲، معیارهای طراحی محله پایدار با تأکید بر ارزش‌های زیست محیطی، دو فصلنامه معماری و شهرسازی پایدار، سال اول، شماره۲: ۶۵-۸۰.

- هاوارد، ایبنزر، ۱۹۲۸، باغ‌شهرهای فردا، ترجمه ساشا ریاحی مقدم و سولماز محبی، تهران: سروش دانش.

-Franklin, Bridget, & Tait, Malcolm. (۲۰۰۲). VILLAGE CONSTRUCTING AN IMAGE: THE URBAN CONCEPT IN THE UK. Planning Theory,۱(۳), ۲۵۰–۲۷۲.

-https://www.farsnews.ir.

-Lin, Yanliu, & De Meulder, Bruno. (۲۰۱۲). A conceptual framework for the strategic urban project approach in the city for the sustainable redevelopment of "villages".